

رژیم اشغالگر قدس؛ کشف منابع گازی و آثار اقتصادی و ژئوپلیتیکی آن

سید غلاممسین مسن تاش

چکیده

رژیم اشغالگر قدس از بد تاسیس با توجه به روابط خصمانه با کشورهای اطراف خود انرژی مورد نیاز خود را تنها از راه دریا می‌توانست تامین کند. تحریم نفتی اعراب از سال ۱۹۴۸ موجب شد که تامین منابع انرژی به یکی از مهمترین اولویت‌های امنیت ملی اسرائیل تبدیل شود. در سال ۲۰۱۲ کشف دو میدان بزرگ گازی در منطقه ویژه اقتصادی و انتشار گزارش انجمن زمین شناسی امریکا در مورد پتانسیل گازی فلات قاره این کشور، چشم‌انداز انرژی مدیترانه شرقی را متحول نموده و بر چشم‌انداز جهانی انرژی نیز تاثیر گذاشت.

حجم بالای گاز کشف شده در کنار بازار محدود داخلی موجب شده است که دولتمردان آن به فکر صادرات گاز بیافتند و به آن بعنوان فرصتی برای تغییر جایگاه تاریخی خود در منطقه نگاه کنند. ایده این که رژیم اشغالگر می‌تواند به قبرس، ترکیه و یونان و حتی اردن گاز صادر کند به این معناست که لازم نیست این کشور کماکان به عنوان یک وصله ناجور در منطقه خاورمیانه باقی بماند بلکه می‌تواند عضوی از منطقه جدیدی بنام مدیترانه شرقی شود. این کشور حالا فرصت پیدا کرده است که یک دیپلماسی خطوط لوله را بعنوان یک ابزار سیاست خارجی برای برتری جوئی در اختیار داشته باشد. امنیت منطقه ویژه تجاری دریائی که مساحت آن حدود دوبرابر خاک اصلی است برای تصمیم‌گیران این کشور اهمیت یافته است. فعالیت‌های حفاری در دریا و نصب سکوه‌های بهره‌برداری و احداث خطوط لوله انتقال گاز به ساحل، نیازمند امنیت دریائی بسیار بیشتری است.

اگر اسرائیل موفق با صادرات گاز به اروپا بشود وابستگی اروپا به گاز این کشور بر امنیت این کشور نیز موثر خواهد بود. البته در این مسیر ممکن است با رقابت منفی روسیه مواجه شود و شاید این مساله در انگیزه روسیه به تقویت جایگاه نظامی خود در مدیترانه شرقی که اخیرا در تحولات سوره بروز یافته است، بی‌تاثیر نبوده باشد.

اسرائیل از شرایط منطقه و خصوصا وضعیت کشور سوریه و نیز سرگرمی حزب‌الله لبنان در سوریه، برای تحکیم موقعیت خود در مدیترانه شرقی سود برده است. ورود اسرائیل به بازار جهانی گاز رقابت جهانی را افزایش داده و موقعیت صادرات گاز ایران را محدود تر می‌کند و انگیزه اسرائیل برای مخالفت با برجام و کارشکنی در مسیر رفع تحریم‌های ایران (به عنوان یک رقیب گازی) افزایش یافته است.

مقدمه

رژیم اشغالگر قدس از بدو تاسیس تا همین سال‌های اخیر فقیرترین کشور خاورمیانه از نظر منابع سوخت‌های فسیلی و دارای وابستگی کامل به واردات نفت و گاز و ذغال‌سنگ، شناخته می‌شد. ضرب‌المثل طنزآمیزی در میان اسرائیلی‌ها رایج است که: حضرت موسی (ع) چهل سال قوم یهود را چرخاند تا به بخشی از خاورمیانه برساند که فاقد نفت و گاز باشد!

شگفت است که مسئله تامین انرژی، در منطقه‌ای سرشار از منابع انرژی همواره یکی از تهدیدهای جدی رژیم صهیونیستی بوده است. اما اینک با کشف منابع گازی این تصویر بکلی تغییر کرده است.

وضعیت انرژی اسرائیل در گذشته

رژیم اشغالگر قدس از بد تاسیس در تلاش تضمین امنیت دسترسی به انرژی به میزان کافی و با قیمت‌های قابل قبول برای نیازهای داخلی خود بوده است. این رژیم که تقریباً فاقد هرگونه منبع طبیعی است با توجه به روابط خصمانه با کشورهای اطراف خود به جزیره‌ای تبدیل شده بود که انرژی مورد نیاز خود را تنها از راه دریا می‌توانست تامین کند. محدودیت‌های فراوان و از همه مهمتر تحریم نفتی اعراب بر علیه این رژیم اشغالگر از سال ۱۹۴۸ موجب شد که تامین منابع انرژی به یکی از مهمترین اولویت‌های امنیت ملی اسرائیل تبدیل شود. در طول سال‌ها اسرائیل مستمرا در جستجوی راه‌کارهایی بوده است که خود را از وابستگی به انرژی و خصوصا نفت وارداتی به عنوان یک نیاز راهبردی، خلاص کند. این تلاش از دهه ۱۹۵۰ شامل اکتشافات هیدروکربنی در داخل سرزمین خود و از دهه ۱۹۷۰ شامل توسعه تکنولوژی انرژی‌های تجدیدپذیر و حتی تلاش ویژه بر توسعه انرژی هسته‌ای بوده است. علیرغم این تلاش‌ها دسترسی به خودکفائی در زمینه انرژی به هدف مقدسی برای رهبران اسرائیل تبدیل شده بود که غیرقابل دست‌یابی به نظر می‌رسید. "گلدن‌مایر" نخست وزیر اسبق اسرائیل در یک مراسم شام همان ضرب‌المثل مشهور را بیان کرد و گفت: یک گِلايه اسرائیلی‌ها از (حضرت) موسی (ع) این است که چهل سال ما را در بیابان‌ها چرخاند تا یک نقطه استثنائی را در منطقه خاورمیانه پیدا کند که نفت نداشته باشد.

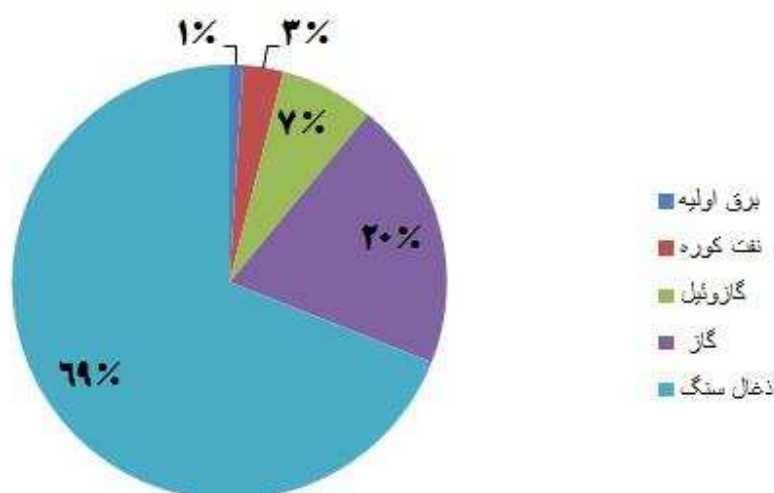
رژیم اشغالگر قدس تا چند سال پیش وارد کننده مطلق نفت و گاز و ذغال‌سنگ بوده است. این وضعیت همواره یک تهدید برای این کشور به حساب آمده است. علیرغم قرار داشتن اسرائیل در یک منطقه نفتی که در شرایط عادی می‌توانست با هزینه اندک انتقال نفت و گاز به این کشور همراه باشد، اما بدلیل روابط خصمانه فی‌مابین این کشور و

کشورهای نفت خیز منطقه، اسرائیل همیشه نگران تامین انرژی بوده است و بخش عمده‌ای از منابع مورد نیاز خود را از خارج از منطقه تامین کرده است. همکنون نیز تولید نفت خام و ذغال سنگ در این کشور در حد صفر است اما تولید گاز در سال‌های اخیر افزایش یافته است.

اسرائیل سالانه حجم عظیمی ذغال سنگ را از مسافت بسیار دور از ایالات متحده امریکا وارد می‌کرد، نمودار زیر نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۷ بیشترین تولید برق در مجموع ۲۱ نیروگاه اسرائیل، با استفاده از ذغال سنگ بوده است. اما در سال‌های اخیر با افزایش تولید گاز در فلات قاره این کشور، سهم گاز در تولید برق این کشور به حدود ۳۷ درصد در سال ۲۰۱۵ افزایش یافته است.

اسرائیل در سال ۲۰۱۲، حدود ۱۵,۴ میلیون تن ذغال سنگ وارد کرد، البته با افزایش تولید گاز در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰، واردات ذغال سنگ ابتدا رو به کاهش گذاشت اما با قطع مکرر گاز وارداتی از مصر در دو سال بعد از آن که بدنبال تحولات سیاسی مصر رخ داد، مجدداً مجبور به افزایش واردات ذغال سنگ شد.

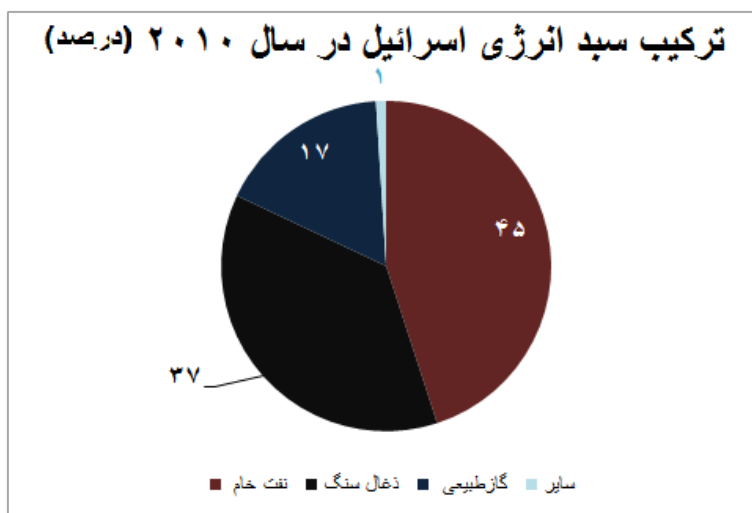
سهم سوخت‌های مورد استفاده در تولید برق در اسرائیل در سال ۲۰۰۷



مآخذ: موسسه رند به نقل از کمیسیون الکترسیته اسرائیل

تا دهه ۱۹۸۰ اسرائیل برای نیاز حمل و نقل و نیروگاه‌های خود بطور کامل به نفت وارداتی متکی بود که عمدتاً از ایران تامین می‌شد. رژیم گذشته ایران روابط نفتی نسبتاً گسترده‌ای را با رژیم اشغالگر برقرار کرده بود. علاوه بر تامین نفت مورد نیاز اسرائیل، با سرمایه‌گذاری ایران خطلوله‌ای بین بندر ایلات در خلیج عقبه و بندر اشکلون در

دریای مدیترانه با تاسیسات تخلیه و بارگیری و ذخیره‌سازی احداث شده بود که مسیری جایگزین برای کانال سوئز بود و بخشی از نفت صادراتی ایران از طرق این خطلوله به مدیترانه منتقل می‌شد که برای اسرائیل هم درآمدزا و هم اشتغال‌زا بود. تحریم نفتی اعراب در ۱۹۷۳ و بدنبال آن وقوع انقلاب در ایران در ۱۹۷۹ موجب شد که اسرائیل سوخت نیروگاه‌های خود را به ذغال‌سنگ تبدیل کند. در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ در نزدیکی بندر "اشکلون" دو میدان کوچک گازی بنام‌های "نوآ" و "مری" با ذخیره گازی جمعا حدود ۳۳,۵ میلیارد مترمکعب کشف و توسعه داده شد و لذا از سال ۲۰۰۴ گاز به نیروگاه‌ها عرضه شد. دولت اسرائیل در سال ۲۰۰۸ این اکتشاف را با واردات گاز از مصر از طریق خطلوله‌ای که از صحرای سینا عبور می‌کند تکمیل کرد و ۴۰ درصد گاز مورد نیاز کشور از طریق این واردات تامین می‌شد. در سال ۲۰۱۰ میزان مصرف گاز اسرائیل ۵,۳ میلیون مترمکعب در سال بود که ۹۰ درصد آن در نیروگاه‌ها استفاده می‌شد. مصرف گاز به عنوان یک سوخت ارزانتر و تمیزتر برای نیروگاه‌ها توسط دولت تشویق و به سرعت جایگزین ذغال‌سنگ شد. در پایان سال ۲۰۱۰ گاز طبیعی ۴۰ درصد از سوخت مصرفی نیروگاه‌های اسرائیل را تشکیل می‌داد. در همان سال کل مصرف انرژی اسرائیل ۲۴,۰۸ میلیون بشکه معادل نفت خام بود که ۴۶ درصد آن را نفت خام، ۳۷ درصد را ذغال‌سنگ و ۱۷ درصد را گاز طبیعی تامین می‌کرد.



منبع : www.eia.org

دولت اسرائیل متوجه شد که گاز این میادین کوچک زود تخلیه خواهد شد و ممکن است تا سال ۲۰۱۲ متوقف شود همچنین تداوم واردات از مصر قابل اعتماد نیست. در سال ۲۰۱۱ چند مورد حمله و انفجار در خطلوله گاز مصر و بدنبال آن افت تولید گاز در مصر موجب شد که در اواخر سال واردات از مصر بطور کلی متوقف شود. و این در سال ۲۰۱۲ موجب به وجود آمدن وضعیت فوق‌العاده در بخش تولید برق اسرائیل شد. برنامه وارد کردن مقادیر

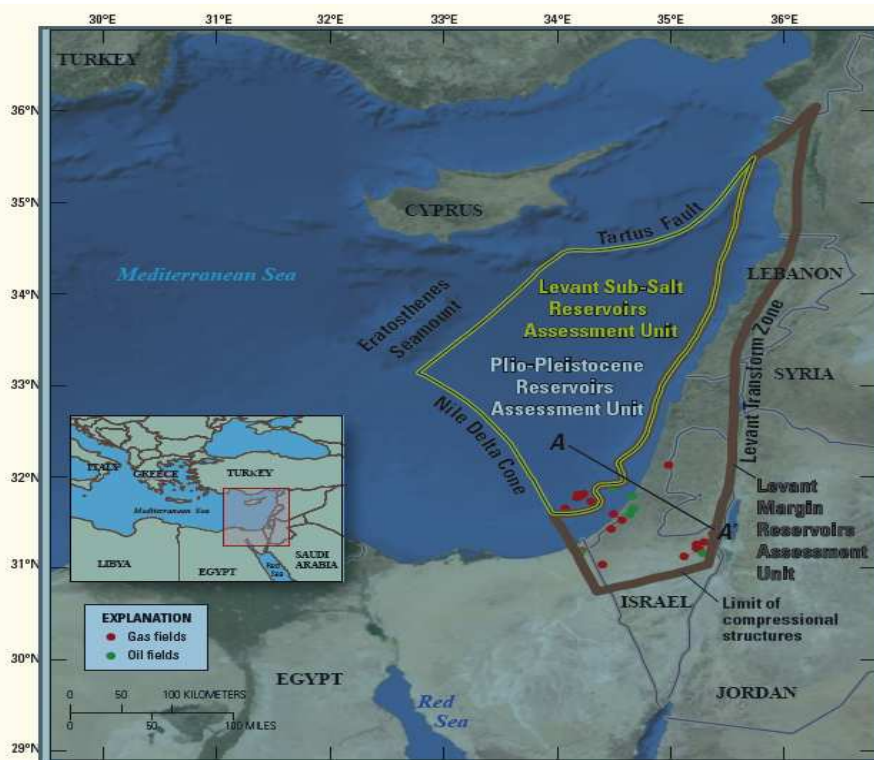
محدودی گاز طبیعی به صورت LNG هم کافی نبود و مجبور شدند مجدداً به ذغال سنگ رو بیاورند و با واردات بیشتر ذغال سنگ و نفت خام گرانتر، این کمبود را جبران کنند و هزینه برق مصرف کنندگان ۲۴ درصد افزایش یافت.

اما در شرایط این بدبختی‌های ناگوار کشف دو میدان بزرگ گازی در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ برای اسرائیلی‌ها یک موهبت شوق‌انگیز بود.

اکتشافات جدید و تغییر وضعیت

به نتیجه رسیدن بعضی از فعالیت‌های اکتشافی در فلات قاره اسرائیل و قبرس در سال‌های آخر قرن گذشته، نشان داد که حوضه رسوبی موسوم به "لوانت" (Levant) واقع در مدیترانه شرقی که کشورهای قبرس، سوریه، لبنان، اسرائیل و منطقه تحت کنترل فلسطینی‌ها، در اطراف آن قرار گرفته‌اند، می‌تواند سرشار از هیدروکربن و خصوصاً گاز باشد. با گسترش فعالیت‌های اکتشافی، تا کنون بیش از ۳۵ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی در این حوضه رسوبی کشف شده است اما گزارش مرکز مطالعات زمین‌شناسی امریکا (USGS) در سال ۲۰۱۰ نشان داد که پتانسیل ذخائر هیدروکربنی و خصوصاً گاز طبیعی در این حوضه رسوبی، بسیار فراتر از این است. گزارش مذکور برآورد میانه از ذخائر نفت این حوضه را ۱,۷ میلیارد بشکه، برآورد میانه از پتانسیل ذخائر اکتشاف نشده گازی ۳,۱ تریلیون متر مکعب و پتانسیل میعانات گازی (NGL) این حوضه را ۳,۱ میلیارد بشکه اعلام نموده است.

همانطور که در نقشه زیر مشخص است، حوضه رسوبی لوانت از انتهای حوزه رسوبی دلتای نیل در امتداد مرزهای مصر و اسرائیل در صحرای سینا شروع می‌شود و تا نزدیکی مرزهای آبی ترکیه امتداد می‌یابد. حوضه رسوبی دلتای نیل نیز دارای ذخائر گاز طبیعی بوده است که توسط کشور مصر بهره‌برداری می‌شود.



Location of the three assessment units (AU) in the Levant Basin Province in the Eastern Mediterranean. The boundaries of the Levant Sub-Salt AU and the Plio-Pleistocene Reservoirs AU are coincident.

با کشف دو میدان بزرگ گازی در منطقه ویژه اقتصادی در فلات قاره اسرائیل این تصویر چشم‌انداز انرژی این کشور کاملاً تغییر کرد. دو میدان تمار و لویاتان نه تنها یک موهبت برای بخش انرژی و نیز اقتصاد اسرائیل بود بلکه از نظر ژئوپلیتیکی یک امتیاز مهم بود و سطح مطلوبی از خودکفائی انرژی را برای یک کشور فاقد منابع اولیه ایجاد کرد. خصوصاً که این میادین این امکان را هم می‌دهد که اسرائیل به کشورهای همسایه گاز صادر کند. کشوری که همه همسایه را دشمن می‌پندارد حالا فرصت پیدا کرده است که یک دیپلماسی خطوط لوله را بعنوان یک ابزار سیاست خارجی برای برتری جوئی در اختیار داشته باشد. نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۱۵ ضمن تشریح این اکتشافات گفت خداوند به ما موهبت گاز را عنایت کرد تا اسرائیل را به یک قدرت از نظر انرژی تبدیل کند. گرچه جلوتر از آن مجموعه‌ای از تحولات در بازار جهانی انرژی اتفاق افتاده بود که پتانسیل اثرات اقتصادی گاز تازه کشف شده اسرائیل را کاهش می‌داد اما انتظارات ژئوپلیتیکی اسرائیل ظاهراً به قوت خود خود باقی مانده است.

ذخائر گازی کشف شده در مدیترانه شرقی

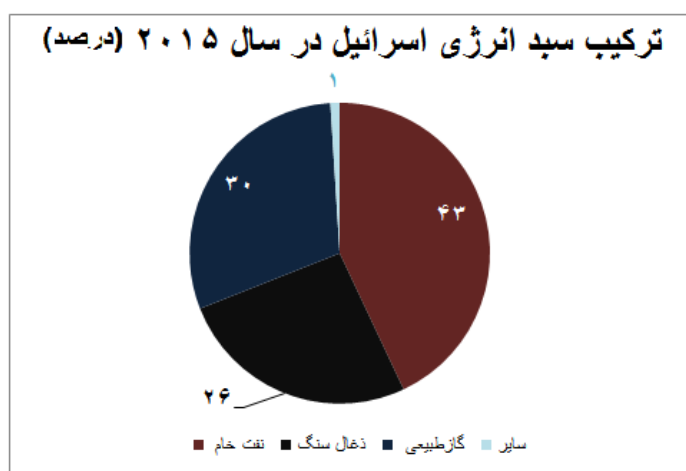
کشور	نام میدان	زمان اکتشاف	تخمین حجم ذخیره (تریلیون فوت مکعب)	تخمین حجم ذخیره (میلیارد متر مکعب)	اولین تولید (برنامه)	میزان تولید احتمالی (میلیون مترمکعب در روز)	میزان تولید احتمالی (میلیارد مترمکعب در سال)	فاصله از ساحل (کیلومتر)
رژیم اشغالگر قدس	Noa	۱۹۹۹	۰/۰۴	۱/۱۲	۲۰۱۳			
	Mari-B	۲۰۰۰	۱/۵	۴۲	۲۰۰۴			
	Dalit	۲۰۰۹	۰/۵	۱۴	۲۰۱۳			
	Tamar	۲۰۰۹	۱۰	۲۸۰	۲۰۱۳	۲۱	۷/۶	۹۰
	Leviathan	۲۰۱۰	۱۸	۵۰۴	۲۰۱۹	۲۱	۷/۶	۱۳۵
	Dolphin	۲۰۱۱	۰/۰۸	۲/۲۴	نا مشخص			
	Shimshom	۲۰۱۲	۰/۳	۸/۴	نا مشخص			
	tanin	۲۰۱۲	۱/۲	۳۳/۶	نا مشخص			۱۲۰
	Karish	۲۰۱۳	۱/۸	۵۰/۴	نا مشخص			
	Gaza Marin	۲۰۰۰	۱	۲۸	نا مشخص			
قبرس	Aphrodite	۲۰۱۱	۷	۱۹۶	۲۰۱۷			۱۸۰

مآخذ: پنج ستون اول از دفتر اطلاعات انرژی امریکا سایر ستون ها از منابع مختلف خصوصا ویکی پدیا

اما در این میان ابعاد مسئله درمورد رژیم اشغالگر قدس گسترده تر است و این کشور صادرات گاز را نیز در برنامه خود قرار داده است. همانطور که در جدول فوق ملاحظه می شود از یازده میدان گازی فهرست شده در جدول که تاکنون در حوضه رسوبی لوانت کشف شده است، نه میدان آن و بزرگترین آن (میدان لویاتان)، در محدوده آبهای اسرائیل است

کشف میدان "تمار" در آبهای عمیق منطقه ویژه اقتصادی در ژانویه ۲۰۰۹ اعلام شد و حجم ذخیره آن ۲۸۳ میلیارد مترمکعب برآورد شد و کشف میدان بسیار بزرگتر "لویاتان" در ماه دسامبر ۲۰۱۰ اعلام شد و حجم ذخیره آن ۵۰۰ میلیارد مترمکعب برآورد شد. این اکتشافات متعاقبا با کشف دو میدان کوچکتر تکمیل شد. میدان "تین" در سال ۲۰۱۲ و میدان "کاریش" در سال ۲۰۱۳، با برآورد ۵۵ میلیارد مترمکعب ذخیره برای دو میدان. همه این اکتشافات با مشارکت شرکت های اسرائیلی و امریکائی انجام شد و در صورت صحت برآوردها، گاز مورد نیاز اسرائیل را برای بیش از نیم قرن تامین خواهند نمود. گاز میدان تمار در سال ۲۰۱۴ به بهره برداری رسید و به تنهایی توانست با تولید ۷,۵ میلیارد مترمکعب کل نیاز داخلی را پوشش دهد. بخش نیروگاهی کماکان مشتری اصلی بود و ۸۵ درصد از این گاز را به خود اختصاص داد که ۴۰ درصد از انرژی مورد نیاز این بخش را تامین می کرد. در سال

۲۰۱۵ نفت خام با ۲۵۰ هزار بشکه در روز کماکان بالاترین سهم را در سبد انرژی اسرائیل داشته ولی سهم آن نسبت به قبل از این اکتشافات کاهش پیدا کرده است (۴۳ درصد) در این سال سهم گاز به ۳۰ درصد افزایش یافت و از ذغال سنگ سبقت گرفت و سهم ذغال سنگ به ۲۶ درصد رسید. البته سهم انرژی‌های تجدیدپذیر هم در حال افزایش بوده و به ۱ درصد رسیده است. "وزارت زیرساخت ملی، منابع انرژی و آب" در اسرائیل برنامه‌ریزی کرده است که تا سال ۲۰۲۰ میزان تولید گاز به ۱۲ میلیارد مترمکعب رسیده و سهم آن در مصرف نیروگاهی به ۶۰ درصد و در سال ۲۰۳۰ تولید به ۱۸ میلیارد متر مکعب در سال برسد.

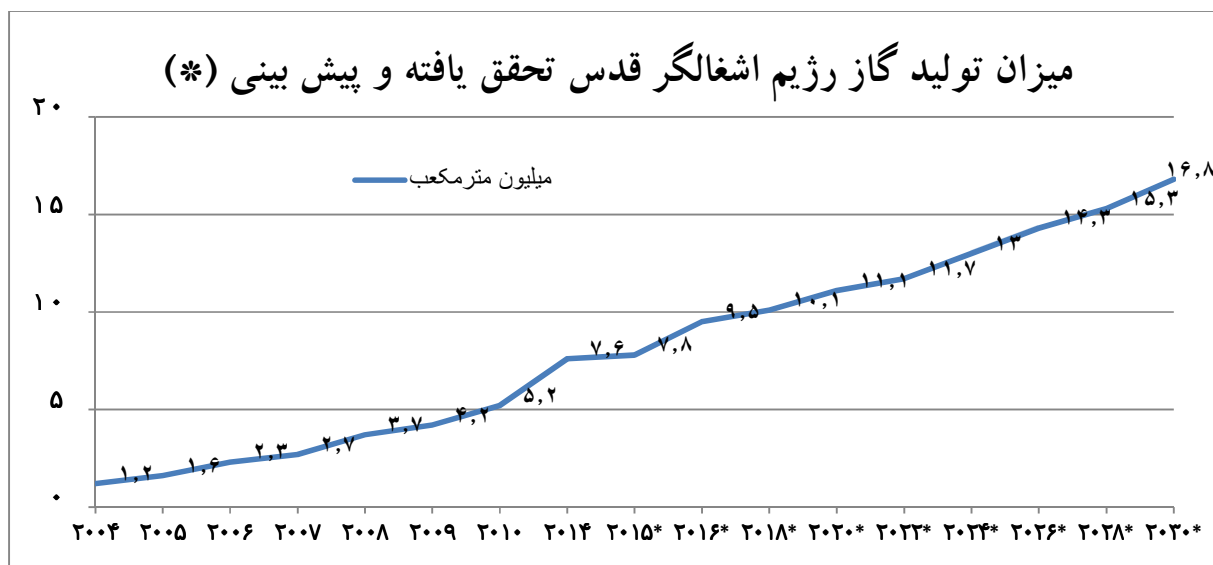


منبع : www.eia.org

اسرائیل در سال ۲۰۱۲ حدود ۲۹۸ هزار بشکه در روز نفت خام مصرف کرده بود، البته ظرفیت پالایشی این کشور ۲۲۰ هزار بشکه در روز است که این مقدار نفت خام برای خوراک پالایشگاه‌ها وارد شده و بقیه بصورت واردات فرآورده‌های نفتی بوده است. تولید هیدروکربن‌های مایع در اسرائیل کمتر از ۶۰۰۰ بشکه در روز و عمدتاً از محل میعانات گازی بوده است. البته به دنبال افزایش تولید گاز میزان تولید میعانات گازی هم افزایش خواهد یافت که بخشی از نیاز اسرائیل به سوخت مایع را بر طرف خواهد نمود.

چنانچه ذکر شد. بدنبال به نتیجه رسیدن فعالیت‌های اکتشافی و با بهره‌برداری از یکی دو میدان کوچک گازی، تولید گاز طبیعی در اسرائیل از سال ۲۰۰۴ میلادی آغاز شده و روند فزاینده داشته است و متناسباً واردات گاز این کشور کاهش یافته است. مصرف گاز اسرائیل در سال ۲۰۱۱ حدود ۳,۲۸ میلیارد متر مکعب بوده است که ۲,۵۷ میلیون مترمکعب آن در داخل تولید شده و ۰,۷۱ میلیارد مترمکعب آن تماماً از کشور مصر وارد شده است. اسرائیل از سال ۲۰۰۸ واردات گاز از مصر را آغاز نمود و این واردات در اوج خود در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۲ میلیارد مترمکعب

رسید. افزایش تولید داخلی برای اسرائیل نجات بخش بود، چراکه همانطور که اشاره شد، تحولات مصر نشان داد که تامین انرژی از منطقه، برای اسرائیل خطرناک است، در سال ۲۰۱۱، خطلوله انتقال گاز مصر به اسرائیل چندین بار مورد حمله جناح‌های مذهبی تند روی مصری قرار گرفت و جریان گاز قطع شد.



منبع: وبکی پدیا و گزارش آماری سالیانه شرکت بی‌پی

بازار جدید گاز در مدیترانه شرقی و آثار ژئوپلیتیکی آن

انتشار گزارش USGS در کنار نتایج اکتشافات جدید گازی در این منطقه، چشم‌انداز انرژی مدیترانه شرقی را کاملاً متحول نموده و بر چشم‌انداز جهانی انرژی نیز تاثیر گذاشته است، خصوصاً که همه کشورهای منطقه غیر از سوریه وابسته به واردات انرژی بوده‌اند. توسعه این ذخائر می‌تواند این کشورها را از نظر انرژی خودکفا کند، وضعیت اقتصادی آنها را متحول کند و منابعی که قبلاً به این کشورها صادر می‌شد را به بازارهای دیگر منتقل نماید.

حجم بالای گاز کشف شده در کنار بازار محدود داخلی موجب شده است که دولتمردان اسرائیل به فکر صادرات گاز بیافزند و به آن بعنوان فرصتی برای تغییر جایگاه تاریخی اسرائیل در منطقه نگاه کنند. از این منظر شاید جالب‌ترین تاثیر این اکتشافات این باشد که به تدریج درک و بینش رهبران این کشور در مورد موقعیت ژئوپلیتیکی کشورشان را تغییر می‌دهد. اکتشاف گاز به سرعت موجب حضور بی‌سابقه در دریا و توجه به مرزهای دریایی

غربی شد. برنامه‌ریزی برای احداث خطوط لوله به منظور صدور گاز به کشورهای همسایه به تدریج آن ذهنیت سنتی که اسرائیل از نظر انرژی مانند جزیره است را تغییر می‌دهد. ایده این که اسرائیل می‌تواند به قبرس، ترکیه و یونان و حتی اردن گاز صادر کند به این معناست که لازم نیست اسرائیل کماکان به عنوان یک وصله ناجور در منطقه خاورمیانه باقی بماند بلکه می‌تواند عضوی از منطقه جدیدی بنام مدیترانه شرقی شود. این می‌تواند مرزهای جدیدی را برای سیاست خارجی اسرائیل بگشاید.

علیرغم این که ۹۹ درصد تجارت خارجی اسرائیل از مسیر دریا انجام می‌شود و ۷۰ درصد جمعیت این کشور نزدیک دریا زندگی می‌کنند و بسیاری از زیرساخت‌های حساس در سواحل قرارداد، اما تا قبل از این که این منابع کشف شود و موجب تحول در تجارت و جغرافیای اسرائیل شود، دولت اسرائیل فاقد یک استراتژی یا سیاست دریایی بود و نیروی دریایی اسرائیل نیز حالت سنتی خود را داشت و هزینه‌ای که صرف آن می‌شد کمتر از همه بخش‌های نظامی بود، چون تهدید زیادی از این ناحیه وجود نداشت. اما حالا امنیت منطقه ویژه تجاری دریایی که مساحت آن حدود دوبرابر خاک اصلی اسرائیل است برای تصمیم‌گیران این کشور اهمیت یافته است. فعالیت‌های حفاری در دریا و نصب سکوه‌های بهره‌برداری و احداث خطوط لوله انتقال گاز به ساحل، نیازمند امنیت دریایی بسیار بیشتری است.

حضور در دریا مشکلات خاص خود را دارد. مناقشات جدید بر سر تعیین خطوط مرزی دریایی با کشور همسایه شمالی، لبنان و تکرار تهدیدهای حزب‌الله و حماس به حمله به دکل‌های حفاری دریایی از جمله این مشکلات است. این موجب افزایش هزینه‌های نیروی دریایی و نیاز به تجهیزات جدید شده است. این نکته نیز بسیار قابل توجه است که اسرائیل دارای یک مرز دریایی غربی خصوصاً با قبرس است که حالا اهمیت یافته است. قبرس کشوری است که می‌تواند یکی از مهمترین شرکای تجاری و سیاسی اسرائیل باشد. این وضعیت موجب شده است که دولت اسرائیل به کشورهای اروپایی به عنوان یک بازار بالقوه برای صادرات گاز توجه کند و دیپلماسی خطوط لوله را در دستور کار خود قرار دهد. نتانیاها با حرارت از این ایده دفاع کرد که صادرات گاز بعنوان یک کالای مهم برای کشورهای مقصد، می‌تواند یک ابزار قوی ژئوپلیتیکی باشد که جایگاه اسرائیل را در منطقه تحکیم کند.

بعضی از مقامات حزب لیکود اسرائیل نیز تصورات اغراق‌آمیزی از این ابزار دارند و فکر می‌کنند که اروپایی‌ها برای متنوع‌سازی مبادی تامین گاز خود به گاز آنها نیازمند هستند و اگر گاز اسرائیل به اروپا وصل شود این نیاز موجب خواهد شد که اهرم فشار آنها بر روی اسرائیل کند شود. البته این شرایط برای اسرائیل با سقوط قیمت نفت در سال

۲۰۱۴ و اشباع بازارهای نفت و گاز و رویکرد اروپا به واردات گاز بصورت LNG که حالا ارزان شده است، و نیز کشف ذخائر عظیم گازی جدید در فلات قاره مصر روبرو شده ولی اسرائیلی‌ها تغییری در سیاست خود نداده‌اند.

با آغاز به تولید میدان تامار (Tamar) از نیمه سال ۲۰۱۳ میلادی، آرامش خاطر اسرائیلی‌ها بیشتر شده است خصوصا که تولید میدان مورد بهره‌برداری قبلی (Mari-B) روبه کاهش گذاشته بود. اطلاعی در دست نیست که میدان تامار کی به اوج تولید خود برسد اما آنچه که مسلم است با فرارسیدن این اوج تولید و نیز با تولید گاز از میدان کوچکت‌ر دالیت (Dalit)، رژیم اشغالگر قدس از واردات گاز طبیعی بی‌نیاز گردیده و بخش بیشتری از سوخت ذغال‌سنگ نیروگاه‌ها را نیز با گاز طبیعی جایگزین خواهد کرد. این دو عامل چندین میلیارد دلار در سال هزینه واردات انرژی اسرائیل را کاهش خواهد داد و همچنین موجب کاهش حجم قابل‌توجهی از انتشارات آلاینده‌های کربن خواهد شد. طبق برنامه اسرائیل سهم گاز در تولید برق این کشور به ۶۰ درصد خواهد رسید.

اسرائیل فعالیت‌های وسیع اکتشافی بیشتری را نیز در حوزه رسوبی "لوانت" در دست اقدام دارد که با توجه به بررسی USGS که قبلا به آن اشاره شد، احتمال کشف میادین بیشتر نیز کم نیست.

اطلاعی از نوع قرارداد گازی مصر و اسرائیل در دست نیست اما اگر این قرارداد طولانی مدت باشد و مصر تعهدات خود را انجام دهد، آنگاه قدرت صادراتی گاز اسرائیل افزایش خواهد یافت.

اسرائیلی‌ها کشف میدان بزرگ "لویاتان" در سال ۲۰۱۰ را یک موهبت الهی تلقی کردند با توجه به تامین کامل گاز مورد نیاز داخلی از میادین قبل‌الذکر، میدان لویاتان که طبق آخرین برنامه‌های موجود تا سال ۲۰۱۹ به بهره‌برداری خواهد رسید، برای صادرات گاز در نظر گرفته شده است. ضمنا دولت اسرائیل برنامه‌هایی را برای مایع‌سازی گاز طبیعی (تولید LNG)، برای مواجهه با اوج و فرود مصرف گاز، در برنامه دارد. اگر اسرائیل موفق به صادرات ۷,۶ میلیارد مترمکعب گاز به اروپا شود ممکن است این عدد در مقایسه با ۱۵۹,۸ میلیارد مترمکعب گازی که اروپا در سال ۲۰۱۵ از روسیه وارد کرده است عدد قابل‌توجهی نباشد اما در مقایسه با اعداد واردات گاز اروپا از مدیترانه غربی، نسبتا قابل توجه است، در سال ۲۰۱۵ الجزایر ۲۰,۷ میلیارد مترمکعب و لیبی ۶,۵ میلیارد مترمکعب گاز به اروپا و ایران ۷,۸ میلیارد مترمکعب گاز به ترکیه صادر کرده‌اند. ضمن اینکه هرگونه تنوع بخشی به بازار گاز اروپا فشار روسیه بر اروپا را کاهش داده و قدرت مانور اروپا در مقابل روسیه و امنیت انرژی اروپا را افزایش می‌دهد و اروپائی‌ها همواره از تنوع بخشی استقبال داشته‌اند. کاهش گاز صادراتی الجزایر به اروپا در سال‌های اخیر موجب شد که اروپائی‌ها علیرغم میل خود میزان واردات از روسیه را افزایش دهند. امتیاز دیگر گاز کشورهای

جنوب مدیترانه برای اروپا این است که زمان‌های اوج و فرود مصرف داخلی‌شان با اروپا متفاوت است و امکان قطع گاز صادراتی‌شان به اروپا در اوج مصرف اروپا که زمستان است، کمتر است.

بر اساس مطالعه انجام شده توسط موسسه مطالعات انرژی دانشگاه آکسفورد نیز تولید گاز اسرائیل در سال ۲۰۲۰ بین ۱۵ تا ۲۰ میلیارد مترمکعب در سال و مصرف آن ۱۲,۵ میلیارد مترمکعب و بنابراین صادرات آن بین ۲,۵ تا ۷,۵ میلیارد متر مکعب خواهد بود.

اما اسرائیل در مسیر اکتشافات جدید و نیز در مسیر توسعه میادین گازی خود و از جمله میدان گازی لویاتان با مشکلاتی نیز روبروست و در عین حال آثار ژئوپلیتیکی وضعیت جدید اسرائیل نیز قابل بررسی است:

- آب‌های سرزمینی کشور کوچک اسرائیل با دو کشور لبنان و قبرس فاصله بسیار کمی دارد. اسرائیل و قبرس (یونانی) در دسامبر سال ۲۰۱۰ در مورد مرزهای آبی خود به توافق رسیده و قرارداد منعقد نموده‌اند البته با توجه به قراردادن بخش شمالی قبرس در کنترل کشور ترکیه، دولت ترکیه در این مورد نارضایتی خود را اعلام نموده است. اما در مورد مرزهای آبی میان دو کشور لبنان و اسرائیل توافقنامه‌ای وجود ندارد. رئیس‌جمهور لبنان در مقاطعی نگرانی خود را از فعالیت‌های اکتشافی و توسعه‌ای اسرائیل اعلام کرده و به این کشور هشدار داده است و مراتب اعتراض خود را به اطلاع سازمان ملل رسانده است و حسن نصرالله، رئیس حزب‌الله لبنان نیز تهدید کرده است که اجازه تصرف در منابع متعلق به لبنان را به اسرائیل نخواهد داد. به همین دلیل فعالیت‌های اکتشافی و حفاری اسرائیل با حفاظت نیروی دریایی این کشور دنبال می‌شود و نیروی دریایی برای این منظور توسعه داده شده است. دولت اسرائیل در چارچوب قوانین بین‌المللی حقوق دریاها، مربوط به تقسیم آبهای ساحلی و بین‌المللی و در راستای توافقات به عمل آمده با دولت قبرس، چارچوبی حقوقی را برای توافق با دولت لبنان تنظیم کرده و به سازمان ملل ارائه نموده است و در تلاش حل موضوع است. بنظر می‌رسد که وضعیت سوریه در دو سال گذشته و تاثیر پذیری لبنان و حزب‌الله از این وضعیت، فرصت مناسبی و مغتنمی را برای توسعه فعالیت‌های هیدروکربنی اسرائیل در آبهای خود فراهم نموده است.

- بنیامین نتانیاهو، اولین نخست وزیر اسرائیل بود که در فوریه سال ۲۰۱۲ از نیکوزیا پایتخت قبرس بازدید نمود و تفاهنامه‌ای را برای فعالیت‌های اکتشافی در آبهای مشترک مرزی دو کشور با مقامات قبرس به امضاء رساند. سفر مقامات کلیدی یونان و قبرس به اسرائیل در سال ۲۰۱۶ نشان داد که روابط جدیدی در حال شکل‌گیری است. همچنین دو کشور تفاهم نموده‌اند که بخشی از گاز صادراتی اسرائیل به جزیره قبرس منتقل شود و

در آنجا با سرمایه‌گذاری مشترک دو کشور تبدیل به LNG برای صدور به نقاط مختلف شود. همانطور که اشاره شد توافقات اسرائیل و قبرس مورد اعتراض دولت ترکیه است و شاید به همین دلیل و برای جلب رضایت ترکیه است که دولت اسرائیل خطلوله جدیدی را پیشنهاد داده است که منابع گازی صادراتی اسرائیل را به بندر سیحان ترکیه منتقل کند که از آنجا از طریق خطوطلوله ترکیه به اروپا (که در برنامه‌است)، به اروپا صادر شود. همچنین اسرائیلی‌ها حاضرند که اجرای این خطلوله را به شرکت‌های ترک بسپارند. تفاهمنامه رسمی میان مقامات ترکیه و اسرائیل برای ترمیم و تحکیم روابط در ماه ژوئن ۲۰۱۶ امضاء شد که همکاری قریب‌الوقوع در تجارت گاز بین دو کشور بخش مهمی از آن است.

- علاوه بر کاهش وابستگی به انرژی وارداتی، وابسته شدن اروپا به گاز اسرائیل و تاثیر آن بر امنیت ملی اسرائیل نیز از اهمیت برخوردار خواهد بود. کاهش هزینه‌های ارزی و افزایش درآمد صادراتی نیز طبعاً بر امنیت اسرائیل بی‌تاثیر نخواهد بود و نیز فعالیت‌های اکتشافی و توسعه‌ای حضور و نفوذ اسرائیل در آبهای مدیترانه را افزایش خواهد داد.

تاثیر اکتشافات گازی اسرائیل بر ایران

نکته مهمی که نباید از نظر دور داشت این است که انگیزه‌دار شدن دولت اسرائیل برای صادرات گاز موجب رقابت پیشاپیش این کشور با رقبای بالقوه خصوصاً در بازار اروپا شده است.

با توجه به این که جمهوری اسلامی ایران که سال‌هاست به ترکیه گاز صادر می‌کند و گازش تا مرز اروپا رفته است، همواره یک پتانسیل مهم برای عرضه گاز به اروپا بوده است، پس از این اکتشافات، انگیزه رژیم اشغالگر در مسیر مخالفت با برجام و کارشکنی در مسیر رفع تحریم‌ها ایران دوچندان شده است.

از احتمال تاثیرگذاری اسرائیلی‌ها بر تجارت گاز ایران و خصوصاً واردات از ترکمنستان که قدرت صادراتی ایران را بالا می‌برد و ترکیه که هم مرز اروپا می‌باشد و با روسیه نیز همکاری قوی گازی دارد، نباید غافل شد.

مشکلات اقتصاد سیاسی داخلی

علیرغم این سرخوشی اولیه، دوران هفت ساله مطالعات اکتشافی با مجموعه‌ای از مشکلات شامل مناقشه در قواعد و مقررات و درگیری‌های سیاسی داخلی همراه شد که توسعه میدان عظیم "لوپاتان" و صادرات گاز را به هدفی غیرواقعی مبدل کرد. این اکتشافات یک چالش سیاسی اجتماعی و اقتصاد سیاسی را در اسرائیل و مناقشاتی میان

دولت و مجلس پدید آورد که البته به تدریج در حال حل شدن است. چالش‌های سیاسی اقتصادی داخلی به شرح زیر بودند:

۱- رژیم مالی بهره‌برداری از منابع طبیعی و سهم دولت از استخراج گاز و میزان مالیات شرکت‌های بهره‌بردار چه باید باشد که گرفتاری‌هایی مانند بیماری هلندی و اقتصاد رانتهی را ایجاد نکند. در این رابطه کمیته‌ای در پارلمان تشکیل شد که به جمع‌بندی رسیده است.

۲- با توجه به سیاست خودکفائی انرژی و امنیت انرژی و با توجه به این که قراردادهای صادرات گاز خصوصاً از طریق خطلوله بلندمدت هستند، میزان صادرات چقدر باید باشد. در این رابطه نیز کمیته‌ای تشکیل شد و جمع‌بندی این بود که حداقل ۶۰ درصد گاز باید به مصرف داخلی اختصاص یابد به نحوی که حداقل برای ۳۰ سال امنیت انرژی کشور تضمین شود.

۳- نوع فعالیت و سهم شرکت‌های مختلف در فعالیت‌های مربوط به اکتشاف و استخراج چگونه باشد که در بلندمدت موجب انحصار نشود و با قوانین ضد تراست مغایرت نداشته باشد.

۴- برنامه‌ریزی انرژی داخلی و نحوه قیمت‌گذاری انرژی برای بخش‌های مختلف و تغییر وضعیت انرژی کشور بعد از این اکتشافات چگونه باشد.

جالب است که با وجود اهمیت توسعه هرچه سریعتر میادین گازی و خصوصاً میدان عظیم لویاتان چه برای امنیت انرژی و چه برای اقتصاد و نیز برای موقعیت ژئوپلیتیکی و سیاست خارجی این کشور، سیاستمداران و خصوصاً پارلمان این کشور کار توسعه میادین را به تعویق انداختند تا این مسائل روشن شود. و البته اغلب این موارد اکنون حل و فصل شده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اکتشاف میادین گازی در منطقه ویژه اقتصادی در فلات‌قاره اسرائیل، وضعیت اقتصادی، نظام اجتماعی و موقعیت ژئوپلیتیکی و سیاست خارجی این کشور را تحت تاثیر قرار داده است.

منابع جدیدگازی مشکل امنیت انرژی اسرائیل را حل کرده، موقعیت ژئوپلیتیکی آن را تقویت کرده و می‌تواند اقتصاد این کشور را نیز تقویت کند.

اگر اسرائیل موفق با صادرات گاز به اروپا بشود وابستگی اروپا به گاز این کشور بر امنیت این کشور نیز موثر خواهد بود. البته در این مسیر ممکن است با رقابت منفی روسیه مواجه شود و شاید این مساله در انگیزه روسیه به تقویت جایگاه نظامی خود در مدیترانه شرقی که اخیرا در تحولات سوره بروز یافته است، بی تاثیر نبوده باشد.

کشف منابع گازی انگیزه اسرائیل را برای تقویت نیروی دریائی و اقتدار خود در مدیترانه شرقی افزایش داده است و می تواند. همچنین علائق سیاست خارجی اسرائیل به گسترش روابط با کشورهای شرق مدیترانه (ترکیه و قبرس و یونان) بیشتر شده است.

اسرائیل از شرایط منطقه و خصوصا وضعیت کشور سوریه و نیز سرگرمی حزب الله لبنان در سوریه، برای تحکیم موقعیت خود در مدیترانه شرقی سود برده است.

ورود اسرائیل به بازار جهانی گاز به عنوان یک رقیب، به هرحال رقابت جهانی را افزایش داده و موقعیت صادرات گاز ایران را محدود تر می کند.

انگیزه اسرائیل برای مخالفت با برجام و کارشکنی در مسیر رفع تحریم های ایران (به عنوان یک رقیب گازی) افزایش یافته است.

منابع و مآخذ :

۱-The Impact of Natural Gas Discoveries on Israeli Politics, Socioeconomic Discourse, and Regional Perception; ELAI RETTIG; December ۲۰۱۶.

۲- The Geopolitics of Israel's Offshore Gas Reserves; David Wurmser.

۳- Overview of oil and natural gas in the Eastern Mediterranean region; www.eia.gov

۴-Assessment of Undiscovered Oil and Gas Resources of the Levant Basin Province, Eastern Mediterranean; USGS.

۵-Natural Gas and Israel's Energy Future; Steven W. Popper, Claude Berrebi, James Griffin,

Thomas Light, Endy Y. Min, Keith Crane; <http://www.rand.org/>

۶-East Mediterranean gas, what kind of game-changer; www.oxfordenergy.org

۷-BP statistical review ۲۰۱۶; www.bp.com

۸-GLOBAL ENERGY DEBATES AND THE EASTERN MEDITERRANEAN; Ayla Gürel Moran, Harry Tzimitras ,Hubert Faustmann. : www.prio.no

۹- خاطرات مئیر عزري ؛ به کوشش غلامرضا امامي؛ نشر علم ۱۳۹۳